

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف

۱۱ دسمبر ۲۰۱۹

افشاگری و اشنگتن پست در مورد دروغ‌های امریکا در مورد جنگ افغانستان

روزنامه «واشنگتن پست» روز دوشنبه مجموعه‌ای از اسناد محرمانه را منتشر کرده که نشان می‌دهد دولت‌های امریکا یکی پس از دیگری در مورد واقعیات جنگ در افغانستان به مردم خود دروغ گفته‌اند تا تصمیمات خود در مورد این مناقشه را توجیه کنند.

واشنگتن پست در این مورد نوشته است: «آرشیف محرمانه از اسناد دولتی که واشنگتن پست به آن دست یافته، افشاء می‌کند که مقام‌های ارشد ایالات متحده در طول جنگ ۱۸ ساله در افغانستان، حقایق را نگفته‌اند. آن‌ها اظهاراتی خوش رنگ و لعاب مطرح کرده‌اند، حال آن که می‌دانسته‌اند گفته‌هایشان درست نیست و مدارکی را پنهان کرده‌اند که جای تردیدی باقی نگذاشته بود که این جنگ، پیروزناشده شده است.»

به نوشته این روزنامه، این آرشیف بیش از ۲۰۰۰ صفحه‌ای، حاصل پروژه‌ای دولتی در خصوص ناکامی امریکا در جنگ امریکاست. در جریان این پروژه با شمار زیادی از مقام‌های ارشد، دیپلمات‌ها و فرماندهان نظامی امریکا و همچنین مقام‌های افغانستان مصاحبه شده است.

واشنگتن پست نوشته است که دولت امریکا در تلاش بوده تا هویت افراد شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های این پروژه و همچنین اطلاعات افشاء شده در این پروژه را مخفی کند، اما این روزنامه بعد از یک دعوی حقوقی سه ساله و بر اساس قانون آزادی اطلاعات، حق دسترسی به محتوای این آرشیف را به دست آورده است.

بنا بر این گزارش، بیش از ۴۰۰ نفر در این پروژه مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند و بسیاری از آن‌ها انتقاداتی مطرح کرده‌اند و جزئیاتی ارائه داده‌اند که به ندرت به صورت علنی مورد بحث قرار گرفته است.

اگر امریکائی‌ها می‌دانستند

«داگلاس لوت» جنرال سه ستاره ارتش امریکا که در دولت «جورج بوش» پسر و دولت «بارک اوباما» مسؤول جنگ افغانستان در کاخ سفید بود، در سال ۲۰۱۵ در مصاحبه‌ای در این پروژه گفته است: «ما از فهم بنیادین در مورد افغانستان تهی بودیم. نمی‌دانستیم چه کار می‌کنیم. چه کار می‌کنیم؟ مبهم‌ترین فهمی از این موضوع نداشتیم.»

لوت در بخش دیگری با متهم کردن دولت و کنگره به عدم هماهنگی، می‌گوید: «اگر مردم امریکا حجم سوء عملکرد را می‌دانستند... ۲۴۰۰ نفر جان باختند.»

یک تریلیونی دلاری که به باد رفت

واشنگتن‌پست نوشته است که این مصاحبه‌ها نشان می‌دهد چطور بوش، اوباما و حالا «دونالد ترامپ» و فرماندهان آنها در تحقق وعده‌های خود برای پیروز شدن در افغانستان ناکام بوده‌اند.

شرکت‌کنندگان در این مصاحبه‌ها که تصور می‌کردند گفته‌های آنها علنی نمی‌شود، از اشتباهات مهلک امریکا در افغانستان و حجم عظیم پولی که در این جنگ صرف شده، پرده برداشته‌اند. هرچند دولت امریکا در مورد هزینه‌های خود در طول این جنگ رقمی اعلام نکرده، اما یک تخمین، رقمی بین ۹۳۴ تا ۹۷۸ میلیارد دلار را نشان می‌دهد. این رقم، شامل هزینه‌های آژانس مرکزی اطلاعات امریکا (سیا) و اداره امور کهنه‌سربازان را شامل نمی‌شود.

«جفری ایگرز» از تفنگداران سابق نیروی بحری امریکا و از کارکنان کاخ سفید در دولت‌های بوش و اوباما، در یکی از این مصاحبه‌ها گفته است: «در ازای این تلاش یک تریلیون دلاری چه چیزی نصیبمان شد؟ یک تریلیون دلاری می‌ارزید؟ بعد از کشتن اسامه بن لادن، من گفتم اسامه احتمالاً در گورش در زیر آب، به ما می‌خندد که این همه در افغانستان خرج کردیم.»

این اسناد همچنین با ادعاهای مقام‌های امریکائی که در طول ۱۸ سال گذشته هر سال ادعا می‌کرده‌اند که جنگ بخوبی پیش می‌رود و ارزش ادامه دادن را دارد، در تضاد است.

برخی از این مقام‌ها از تلاشی عامدانه برای تحریف وقایع جنگ افغانستان پرده برداشته و گفته‌اند که هم در مقر ارتش امریکا در کابل و هم در کاخ سفید، آمارهای جنگ به نحوی دستکاری می‌شده تا به نظر برسد که ایالات متحده در حال پیروزی در جنگ است، در حالی که واقعیت خلاف این بوده است.

«باب کرولی» سرهنگ ارتش امریکا که بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به عنوان مشاور ارشد ضدشورش نیروهای ویژه ارتش امریکا خدمت کرده، در یکی از مصاحبه‌ها گفته است: «هر داده‌ای، به نحوی دستکاری می‌شد تا بهترین تصویر ممکن ترسیم شود. به عنوان نمونه، ارزیابی‌هایی که کاملاً غیرقابل اتکاء بودند، اما این برداشت را تقویت می‌کردند که همه چیز رو به راه است.»

«جان سوپکو» رئیس آژانس فدرالی که در جریان یک پروژه ۱۱ میلیون دلاری تحت عنوان «درس‌هایی که آموخته شد» این مصاحبه‌ها را انجام داده، در مصاحبه با واشنگتن‌پست اذعان کرده است که این اسناد نشان می‌دهد «دائماً به مردم امریکا دروغ گفته شده است.»

به نوشته‌ی وال استریت ژورنال، هرچند نتایج این پروژه به صورت محدود در چند شماره منتشر شده، اما در نسخه‌های عمومی به بخش‌های جنجالی نتایج به دست آمده در این تحقیقات اشاره‌ای نشده و نام اغلب افراد مصاحبه‌شونده هم مخفی مانده است. حتی در نسخه‌ای هم که در اختیار واشنگتن‌پست قرار گرفته، تنها نام ۶۲ نفر از افراد افشاء شده است.

هدف امریکا از مداخله خارجی

یکی از نکات مهم این مصاحبه‌ها این است که آنها تا حدی اهداف و دیدگاه‌های مقام‌های دخیل در حمله به افغانستان در مورد مداخلات خارجی امریکا را نیز روشن می‌کند.

«جیمز دوبینز» دبیرمات سابق امریکائی که در دولت‌های بوش و اوباما نماینده امریکا در امور افغانستان بوده، در یکی از مصاحبه‌ها گفته است: «ما به کشورهای فقیر حمله نمی‌کنیم تا آنها را ثروتمند کنیم. ما به کشورهای استبدادی حمله

نمی‌کنیم تا آن‌ها را دموکراتیک کنیم. ما به کشورهای خشن حمله می‌کنیم تا آن‌ها را آرام کنیم. روشن است که در افغانستان [در تحقق این هدف] شکست خوردیم.»

واشنگتن‌پست علاوه بر این مصاحبه‌ها، به هزاران یادداشتی که «دونالد رامسفلد» وزیر دفاع امریکا خطاب به زیردستان خود نوشته نیز دست پیدا کرده است.

او در یکی از این یادداشت‌ها، خطاب به چند جنرال و دستیار ارشد خود نوشته است: «شاید ناشکیبا باشم. در واقع می‌دانم که کمی ناشکیبا هستم. اما اگر حواسمان نباشد که آنچه را که برای ایجاد ثبات لازم برای خروج از افغانستان نیاز است را ببینیم، هیچ‌وقت نمی‌توانیم ارتش ایالات متحده را از افغانستان خارج کنیم.»

واشنگتن‌پست در ادامه گزارش خود، اسناد به دست آمده را با اسناد جنگ ویتنام مقایسه کرده است که در سال ۱۹۷۱ منتشر شد و نشان داد مقام‌های امریکایی در آن جنگ هم حقایق را از مردم امریکا پنهان کرده‌اند.

به نوشته این روزنامه، این اسناد نشان می‌دهند که هرچند امریکا در ابتدای حمله به افغانستان هدفی روشن، یعنی «تلافی کردن علیه القاعده» را در دستور کار داشته، اما با طولانی شدن جنگ، اهداف این کشور مدام تغییر کرده و در پنتاگون، کاخ سفید و وزارت دفاع امریکا این برداشت که ستراتیژی‌های این کشور در افغانستان اشتباه است، به مرور تقویت شده است.

واشنگتن‌پست می‌نویسد: «اختلاف نظرهای بنیادین حل‌نشده باقی ماند. برخی مقام‌های ایالات متحده می‌خواستند افغانستان را به یک دموکراسی تبدیل کنند. برخی دیگر می‌خواستند فرهنگ افغانستان را متحول کرده و حقوق زنان را ارتقاء دهند. برخی دیگر هم می‌خواستند موازنه قدرت منطقه‌ای میان پاکستان، هند، ایران و روسیه را دستخوش تغییر کنند.»

یک مقام امریکایی که نام او افشاء نشده، گفته است: «ستراتیژی افپک (افغانستان-پاکستان) مثل درخت کریسمسی بود که زیر آن برای همه هدیه‌ای وجود داشت. شما اولویت‌ها و خواسته‌های متعددی داشتید، بی‌آن که هیچ‌گونه ستراتیژی داشته باشید.»

آدم‌های خوب، آدم‌های بد

این اسناد همچنین نشان می‌دهد که نیروهای امریکایی حتی نمی‌دانسته‌اند که باید با چه کسی و چه گروهی بجنگند و کدام نیروها خودی هستند و کدام دشمن.

یک مشاور سابق تیم نیروهای ویژه ارتش امریکا که نام او هم پنهان مانده، در یکی از مصاحبه‌ها می‌گوید: «فکر می‌کردند که با یک نقشه پیش آن‌ها می‌آیم و نشانشان می‌دهم که آدم‌های خوب کجا هستند و آدم‌های بد کجا. چند باری که با آن‌ها صحبت کردم تازه دریافتند که من چنین اطلاعاتی در اختیار ندارم. آن اوایل مدام می‌پرسیدند: «اما آدم‌های بد چه کسانی هستند؟ آن‌ها کجا هستند؟»»

حتی رامسفلد هم در سال ۲۰۰۳ در یکی از یادداشت‌هایش سؤالی مشابه مطرح کرده است: «من در مورد این که آدم‌های بد چه کسانی‌اند، دید روشنی ندارم. ما به شکل دردناکی در زمینه اطلاعات انسانی دچار کمبود هستیم.»

نگاه تحقیرآمیز امریکا به ارتش افغانستان

یکی دیگر از ابعادی که این اسناد مشخص می‌کند، این است که مقام‌های دولت‌های بوش، اوباما و ترمپ خلاف آنچه که ادعا کرده‌اند، در واشنگتن به دنبال «ملت‌سازی» بوده‌اند و با هزینه‌های هنگفت تلاش کرده‌اند تا دولت مرکزی افغانستان و ساختارهای سیاسی این کشور را آنطور که مد نظر واشنگتن است، از نو ایجاد کنند.

مقام‌های امریکائی در این مصاحبه‌ها اذعان کرده‌اند که با وجود سرازیر شدن پول‌های هنگفت به افغانستان، توسعه چندان به دست نیامده، بلکه در عوض فساد بیش از پیش گسترش یافته و این امر بسیاری از مردم افغانستان را به سمت طالبان سوق داده است. همزمان مقام‌های امریکائی حاضر در افغانستان چشم خود را به روی گسترش فساد مالی و تضعیف دولت مرکزی بسته‌اند.

در حالی که دولت‌های امریکا پس از دیگری مدعی شده‌اند که در آموزش و تقویت نیروهای نظامی افغانستان پیشرفتی مداوم و چشمگیر داشته‌اند، مصاحبه‌های پروژه «درس‌هایی که آموخته شد» نشان می‌دهد که واشنگتن در حقیقت نیروی نظامی افغانستان را ضعیف، ناتوان و مملو از فراری می‌دانسته و معتقد بوده که فرماندهان ارتش افغانستان با آمارسازی، پول‌های هنگفتی به جیب می‌زنند.

در این مصاحبه‌ها، مقام‌های امریکائی با الفاظی توهین‌آمیز از نیروهای نظامی و پولیس افغانستان یاد کرده‌اند. یکی از افسران امریکائی در مصاحبه مدعی شده است که یک سوم نیروهای که جذب پولیس افغانستان شده‌اند «یا معتاد هستند یا عضو طالبان». یک افسر امریکائی دیگر هم آن‌ها را «احمق‌های دزد» خطاب کرده است.

یک مقام ارشد دولتی در این مورد گفته است: «این تصور که می‌توانیم با چنان سرعتی ارتش چنان توانمند ایجاد کنیم، احمقانه بود.»

بازار شکوفای مواد مخدر

همزمان، مقام‌های امریکائی در این مصاحبه‌ها اذعان کرده‌اند که حمله این کشور به افغانستان نه تنها به تولید مواد مخدر در این کشور پایان نداده، بلکه این مسأله را بیش از پیش تشدید کرده است.

«داگلاس لوت» نماینده کاخ سفید در امور افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳، در یکی از مصاحبه‌ها گفته است: «ما اعلام کردیم که هدف ما ایجاد یک «اقتصاد شکوفای بازار» است. با خودم فکر می‌کردم که ما باید مشخصاً می‌گفتیم که یک بازار شکوفای مواد مخدر. چون این تنها بخشی از بازار بود که داشت کار می‌کرد.»

به نوشته واشنگتن‌پست، در جریان جنگ افغانستان عملاً هیچ آژانس یا سازمانی مسؤولیت مقابله با قاچاق مواد مخدر را بر عهده نداشته و امریکا هیچ ستراتیژی در این زمینه نداشته است. علاوه بر این، سردرگمی امریکا بیش از پیش به گسترش تولید مواد مخدر در افغانستان دامن زده است.

به عنوان نمونه، در ابتداء دولت انگلیس به کشاورزان افغانستان که تریاک می‌کاشته‌اند، گفته است که در صورتی که محصولات خود را از بین ببرند، به آن‌ها غرامت می‌دهد. همین امر کشاورزان را ترغیب کرده تا برای سال بعد تریاک بیشتری بکارند تا غرامت بیشتری بگیرند. در پی شکست این طرح، امریکا این زمین‌ها را بدون پرداخت غرامت تخریب می‌کند و در نتیجه کشاورزان عصبانی شده و به همراهی با طالبان ترغیب می‌شوند.

یک مقام امریکائی در مصاحبه‌ای گفته است: «از دیدن این که این همه آدم رفتاری چنین احمقانه دارند، ناراحت بودم.»

تکرار ویتنام و آمارسازی پنتاگون

واشنگتن‌پست در ادامه نوشته است که مقام‌های امریکائی در ابتدای جنگ همواره مقایسه جنگ افغانستان با ویتنام را به تمسخر می‌گرفتند و قاطعانه به خبرنگاران می‌گفتند که امریکا قطعاً در افغانستان پیروز می‌شود. با این وجود، با طولانی شدن جنگ، به مرور هراس از تبدیل افغانستان به ویتنامی دیگر در میان مقام‌های امریکائی شیوع یافته است. به نوشته این روزنامه، در حالی که مقام‌های ارشد پنتاگون گزارش‌های متعددی از وضعیت ناگوار جنگ دریافت کرده بودند، اما وزارت دفاع امریکا این گزارش‌ها را از دید عموم پنهان کرده و تصویری متفاوت را در موضع‌گیری‌های رسمی خود ترسیم می‌کرد. مقام‌های امریکائی همگی متفق‌القول در سخنرانی‌های عمومی از «پیشرفت مداوم» در جنگ سخن می‌گفتند، حتی با وجود افزایش مداوم تعداد کشته‌های امریکا.

همزمان، کاخ سفید و پنتاگون تلاش می‌کرده‌اند با دستکاری آمار، نشان دهند که جنگ در افغانستان موفق بوده است. به عنوان نمونه، در دولت اوباما، کاخ سفید و پنتاگون دائماً تلاش می‌کرده‌اند تا با آمارسازی نشان دهند که افزایش شمار نیروها بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، اقدام موفق بوده است.

یک مقام ارشد شورای امنیت ملی امریکا که نامش پنهان مانده، در این مورد گفته است: «ایجاد معیارهای خوب غیرممکن بود. ما [اشاره به] تعداد نیروهائی که آموزش داده شده‌اند، سطح خشونت‌ها و میزان اراضی تحت کنترل را امتحان کردیم، اما هیچ‌کدام تصویر دقیقی ایجاد نمی‌کرد. معیارها در طول جنگ همواره دستکاری می‌شد.» واشنگتن‌پست نوشته است که حتی وقتی آمارها چندان مثبت نبود، مقام‌های امریکائی تلاش می‌کردند با توضیح و تفسیرهایی آن‌ها را مثبت جلوه دهند.

مقام ارشد شورای امنیت ملی امریکا در این مورد گفته است: «آن‌ها توضیح می‌دادند. به عنوان مثال، حملات [طالبان] دارد بدتر می‌شود؟» «به این خاطر است که آن‌ها اهداف بیشتری برای هدف قرار دادن دارند، بنابراین تعداد حملات معیار درستی برای [اثبات] بی‌ثباتی نیست.» بعد، سه ماه دیگر، حملات همچنان بدتر می‌شود؟ «به این خاطر است که طالبان مستأصل شده است. این در حقیقت نشان‌دهنده آن است که پیروز می‌شویم.»

وی می‌افزاید: «و این به دو دلیل همچنان ادامه یافت. به این دلیل که تمام کسانی که در این [جنگ] درگیر بودند موفق نشان داده شوند و این که اینطور به نظر برسد که نیروها و منابعی که آنجا داریم، چنان اثری دارند که خارج کردن آن‌ها باعث تحلیل رفتن آن کشور می‌شود.»

همین رویکرد در گزارش‌های میدانی فرماندهان هم مشاهده می‌شده و در هر صورت تلاش بر این بوده که به نظر برسد اوضاع خوب است.

«مایکل فلین» جنرال سه ستاره ارتش امریکا در سال ۲۰۱۵ در یکی از این مصاحبه‌ها گفته است: «از سفیر گرفته به پانین [همه می‌گویند] عملکرد فوق‌العاده‌ای داریم. واقعاً؟ اگر عملکرد ما آنقدر فوق‌العاده است، پس چرا احساس می‌شود که می‌بازیم؟»

فلین همچنین می‌گوید تمام فرماندهان و نیروهائی که پست خود را به نفر بعدی تحویل می‌دهند، ادعا می‌کنند که مأموریت‌های محوله را به طور کامل انجام داده‌اند، اما فرمانده جدیدی که از راه می‌رسد درمی‌یابد که اوضاع افتضاح است.

«باب کرولی» سرهنگ بازنشسته‌ای که در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ مشاور نیروهای ویژه ارتش امریکا بوده، در یکی از مصاحبه‌ها گفته است در مقر ارتش امریکا در کابل «به ندرت از واقعیت استقبال می‌شود.» به گفته وی، در ارتش امریکا همواره تلاش می‌شده است تا از انتشار اخبار بد در مورد روند جنگ جلوگیری شود.

«جان گاروفانو» ستراتیژیستی که در سال ۲۰۱۱ به تفنگداران امریکائی مشاوره می‌داده، می‌گوید مقام‌های ارشد ارتش امریکا منابع زیادی را برای تولید نمودارهایی که نشانگر پیشرفت در جنگ باشد، صرف کرده‌اند. به گفته وی، هیچ‌کس نیز جرأت نمی‌کرده است که صحت یا دقت این آمارها را زیر سؤال ببرد.

واشنگتن‌پست در پایان گزارش خود با اشاره به این که مهمترین نشانگر برای مثبت یا منفی بودن جنگ تعداد افغان‌هایی است که کشته می‌شوند، نوشته است که اگر این آمار افزایش یابد، روند منفی و اگر کاهش یابد، روند مثبت ارزیابی می‌شود. بر اساس آمار ملل متحد، در سال گذشته ۳۸۰۴ غیرنظامی افغانستان در جنگ کشته شده‌اند. این یعنی میزان غیرنظامیان کشته‌شده در افغانستان، به بالاترین حد در ده سالی رسیده که ملل متحد شروع به ثبت این آمار کرده است.